

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 21, No. 5, Summer 2021, 419-444  
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.30370.1810

## **Critical Evaluation of the Sources in Regional Studies of the Modern and Contemporary Art in the Islamic World**

**Mohammad Reza Moridi\***

### **Abstract**

In this article, the most important books on modern and contemporary art in Islamic lands were examined; these studies were divided into five categories: first, the books that studied the art of this region under the concept of “modern / contemporary Islamic art”, second, the books that studied under the title of “Middle Eastern Art”. Third, books that have followed Islamic art under the title “Arab Art”. Fourth, books that studied the Islamic art under nationalist narratives such as Iran, Arab, or Turkey art, and fifth, books under more general headings such as “Islamic Visual Culture” or Image Policy in Islamic Countries have been studied. Examining these resources is for three reasons: First, it enables researchers to compare approaches and methods in regional studies of Islamic art. Second, unfortunately, in Iran, there is not enough knowledge of the art of neighbors and other Islamic countries; therefore, reviewing the sources of regional art studies enables researchers to get acquainted with the most important sources and researchers in regional studies of art in Islamic countries. Third, by critically evaluating sixty important books in the study of modern and contemporary art in Islamic lands, we do emphasize the aspects that studies less than other aspects in this field were studied, and show the contribution of Iranian researchers in the regional studies of Islamic art.

**Keywords:** Regional Studies, Islamic Art, Modern Islamic Art, Arab Art, Middle East Art

---

\* Assistant Professor, Faculty Member in Art University, Tehran, Iran, moridi@art.ac.ir

Date received: 05/02/2021, Date of acceptance: 28/06/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## بررسی و ارزیابی منابع مطالعات منطقه‌ای هنر مدرن و معاصر در کشورهای اسلامی<sup>۱</sup>

محمد رضا مریدی\*

### چکیده

مطالعات منطقه‌ای هنر مدرن و معاصر در سرزمین‌های اسلامی طی دو دهه گذشته توسعه یافته است. در این مقاله به مهم‌ترین کتاب‌ها در این حوزه مطالعاتی پرداخته شده و این پرسش دنبال شده که: چه روش‌ها و رویکردهایی در مطالعات منطقه‌ای هنر مدرن و معاصر سرزمین‌های اسلامی در پیش گرفته شده است؟ منابع در پنج دسته بررسی شدند: اول کتاب‌هایی که هنر این منطقه را زیر مفهوم «هنر اسلامی مدرن» مطالعه کرده‌اند، دوم کتاب‌هایی که هنر منطقه را زیر عنوان «هنر خاورمیانه» مطالعه می‌کنند، سوم کتاب‌هایی که هنر اسلامی را زیر عنوان «هنر عرب» دنبال کرده‌اند، چهارم منابعی که به «هنر در مرزهای ملی» پرداخته‌اند و بر روایت ایرانی، عربی و ترکی تأکید کرده‌اند و پنجم کتاب‌هایی که زیر عنوان‌های کلی‌تر همچون «فرهنگ بصری اسلامی» به هنر مدرن در سرزمین‌های اسلامی پرداخته‌اند. بررسی منابع نتایج زیر را به دست آورد: اول، معرفی مهم‌ترین کتاب‌ها و پژوهشگران در مطالعات هنر مدرن کشورهای اسلامی؛ دوم، مطالعه تطبیقی رویکردها و روش‌ها در مطالعات منطقه‌ای هنر اسلامی مدرن. سوم، تأکید بر چشم‌انداز فراملی‌گرا در مطالعات منطقه‌ای چراکه مطالعه هنر اسلامی مستلزم فراتر رفتن از روایت‌های ملی‌گرایانه از هنر در کشورهای اسلامی است. چهارم، تأکید بر جنبه‌های کمتر پرداخته شده و مطالعه شده در هنر مدرن و معاصر کشورهای اسلامی.

**کلیدواژه‌ها:** مطالعات منطقه‌ای هنر، هنر اسلامی، هنر اسلامی مدرن، هنر خاورمیانه، هنر عرب.

\* استادیار دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، گروه پژوهش هنر، عضو هیات علمی دانشگاه هنر، تهران، ایران، moridi@art.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷

## ۱. مقدمه

هنر اسلامی اغلب همچون سبکی تاریخی مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ آثاری از دوران شکوه امپراتوری‌های اسلامی که در موزه‌ها نگهداری می‌شوند. پژوهشگران نیز اغلب هنر اسلامی را تا پایان قرن نوزدهم یا پایان عثمانی و قاجار دنبال می‌کنند و کمتر هنر اسلامی در دوران مدرن و معاصر در مرکز مطالعات قرار داده‌اند. اما در دهه‌های اخیر جریان تازه‌ای از مطالعه منطقه‌ای هنر مدرن و معاصر اسلامی در حال توسعه است.

تغییرات در مسیر مطالعات هنر اسلامی را می‌توان در چند جریان دنبال کرد؛ آغاز این تغییرات در نیمه قرن نوزدهم بود که باستان‌شناسان مطالعات گسترده‌ای پیرامون سرزمین‌های مسلمان آغاز کردند. در ابتدا این مطالعات رنگ قوم‌شناختی داشتند و سخن از هنر عرب و ترک و ایرانی بود و یافته‌ها زیر مقولاتی چون هنر شرق و هنر بین‌النهرین قرار می‌گرفتند نه اسلامی. در نیمه پایانی قرن نوزدهم این مطالعات زیر مفهوم منسجم‌تر هنر اسلامی قرار داده شدند؛ بحث از مشترکات سرزمین‌های اسلامی و مفاهیم غالب یا روح حاکم بر هنر مسلمانان به این مطالعات سمت و سوی تازه‌ای داد. اما به تدریج در طول قرن بیستم و متأثر از جریان ملی‌گرایی و تاسیس کشورهای جدید بعد از فروپاشی عثمانی، بار دیگر این مطالعات مبنای ملی و نژادی یافتند و پژوهش‌ها و نمایشگاه‌ها به سوی بررسی ایران، ترکیه، مصر یا عرب متمایل شدند.

از آغاز قرن بیست و یکم مطالعه هنر اسلامی سمت و سوی تازه گرفت و مقوله‌بندی‌هایی چون هنر خاورمیانه بر این مطالعات غالب شد. همچنین متأثر از منازعات قدرت، جنگ‌ها و کشمکش‌های اقتصاد سیاسی نفت در منطقه خاورمیانه، این مطالعات اغلب سمت و سوی «سیاسی» به خود گرفتند. بلر و بلوم این تغییر رویکرد از مطالعات تاریخی به مطالعات سیاسی را از یک‌سو ناشی از تغییرات اقتصادی و سیاسی در سرزمین‌های اسلامی می‌دانند و از سوی دیگر تغییر الگوی مهاجرت از خاورمیانه که پس از تنش‌های سیاسی دهه ۱۹۸۰ به وجود آمد.

بر خلاف گذشته که هنر اسلامی مورد توجه پژوهشگران غیرمسلمانان بود، اکنون مطالعات هنر اسلامی توسط پژوهشگران و دانشجویانی دنبال می‌شود که اخلاف آمریکایی شده خاورمیانه‌ای و مسلمان مهاجر هستند؛ آنها در مطالعاتشان به دنبال ریشه‌های والدینشان بر آمده‌اند، لذا بیشتر به تحولات هنر مدرن در خاورمیانه علاقه‌مند هستند تا هنر تاریخی اسلام (۱۳۸۷: ۸۷).

هنر اسلامی مفهومی فراتر از جغرافیای ملی است و مطالعه آن باید در چارچوب مطالعات منطقه‌ای دنبال شود. اما مطالعات منطقه‌ای هنر اسلامی نیز با کشمکش‌های نظری مواجه است. مقوله‌سازی این مطالعات زیر عنوان منطقه خاورمیانه، منطقه عرب، منطقه غرب آسیا، منطقه ایرانی - عربی بر روند مفهوم‌سازی هنر اسلامی تأثیر می‌گذارد. به ویژه در بحث پیرامون هنر مدرن و معاصر سرزمین‌های اسلامی که با طیف متنوع‌تری از تجربه‌های هنری مواجه هستیم دشواری مقوله‌سازی‌ها بیشتر است. لذا ضروری است برای شناخت بهتر جریان‌های مطالعاتی در هنر مدرن و معاصر در سرزمین‌های اسلامی، ابتدا چستی مطالعات منطقه‌ای هنر را مورد پرسش قرار دهیم. سپس به بررسی پژوهش‌های انجام شده بپردازیم تا روشن شود در چه حوزه‌هایی مطالعات بیشتری انجام شده و در چه بخش‌هایی مطالعات کمتر بوده و نیاز به توجه بیشتر پژوهشگران دارد؟ چه روش‌ها و رویکردهایی در مطالعات هنر مدرن و معاصر اسلامی در پیش گرفته شده است؟

## ۲. رویکرد نظری و روش‌شناختی: مطالعات منطقه‌ای هنر اسلامی

اولین نقدها و متن‌ها درباره هنر مدرن در سرزمین‌های اسلامی از دهه ۱۹۶۰ بر مبنای نگرش‌های ملی‌گرایانه توسط هنرمندان و منتقدان و تاریخ‌نویسان به زبان‌های ایرانی، ترکی، عربی نوشته شد اما اغلب این مطالعات قادر نبودند چشم‌اندازی فراملی و منطقه‌ای ارائه دهند (Naef, 2016: 1006). هنر اسلامی مفهوم فراملی است. اولین متن‌ها درباره هنر اسلامی در دوران مدرن که دیدگاهی فراملی داشته باشد توسط پژوهشگران و تاریخ‌نگاران اروپایی و آمریکایی به نگارش در آمد. بلر و بلوم اشاره می‌کنند

در خود سرزمین‌های اسلامی کرسی‌های تدریس هنر اسلامی انگشت شمارند و در آنجا استادان و دانشجویان عمدتاً هنر کشورهای خود را مطالعه می‌کنند. روبرو شدن با مصریانی که در مصر هنر مصری را تحصیل و تدریس می‌کنند، ترک‌هایی که هنر ترک را در ترکیه تحصیل و تدریس می‌کنند، یا ایرانیانی که هنر ایرانی را در ایران تحصیل و تدریس می‌کنند بسیار محتمل‌تر است. به عبارت دیگر مفهوم کل‌نگرانه «هنر اسلامی» همچنان مختص به غرب باقی ماند (بلر و بلوم، ۱۳۸۷: ۵۷).

اما اختصاص مطالعات منطقه‌ای به غرب به معنای داوری فرامنطقه‌ای و نگارشی بدون جهت‌گیری و تفسیر نیست. باید پژوهشگران سرزمین‌های اسلامی نیز در تاریخ‌نگاری

هنر اسلامی به ویژه در هنر مدرن و معاصر اسلامی نقش‌آفرینی کنند و روایت‌های معتبر ارائه دهند.

در این مقاله، منابع و کتاب‌های منتشر شده پیرامون هنر مدرن و معاصر در سرزمین‌های اسلامی در پنج دسته مورد مطالعه قرار می‌گیرند: اول منابعی که هنر این منطقه را زیر مفهوم «هنر مدرن/معاصر اسلامی» مطالعه کرده‌اند، دوم منابعی که جریان‌های مدرن و معاصر را زیر عنوان «هنر خاورمیانه» مورد مطالعه قرار داده‌اند و سوم منابعی که عنوان «هنر عرب» را توصیف بهتری از تحولات منطقه دانسته‌اند، چهارم منابعی که به «هنر در مرزهای ملی» پرداخته‌اند و بر روایت ایرانی، مصری و ترکی از هنر اسلامی تأکید کرده‌اند، و پنجم منابعی که زیر عنوان‌هایی چون «فرهنگ بصری اسلامی» به هنر مدرن و معاصر اسلامی پرداخته‌اند. مبنای این دسته‌بندی «توانایی تبیین حداکثری» است. بدین معنا که دسته‌بندی باید قادر باشد نمونه‌های بیشتری را در دسته‌های کمتری قرار دهد با این حال امکان مقایسه و مطالعه تطبیقی بیشتری را فراهم کند. اعتبار و روایی (Validity) این دسته‌بندی، محقق را قادر ساخته تا با بررسی مهم‌ترین منابع، دیدگاه نسبتاً جامعی از رویکردها و روش‌های مطالعه منطقه‌ای هنر اسلامی در دوران مدرن را ارائه کند. در سال‌های اخیر منابع مطالعه هنر این منطقه افزایش یافته است؛ پایان‌نامه‌های بیشتری نوشته شده و مقالات زیادی منتشر شده و برای نمایشگاه‌های رو به افزایش از هنر مدرن و معاصر سرزمین‌های اسلامی، تعداد قابل توجهی کاتالوگ منتشر شده است. با این حال کتاب‌هایی روش‌مند که ابعاد مسئله را طرح کنند زیاد نیست. در این مقاله تلاش شده به مهم‌ترین کتاب‌هایی پرداخته شود که به مطالعات هنر در این حوزه سمت و سو داده‌اند.

روش مقاله حاضر تطبیقی است؛ منظور از مطالعه تطبیقی نوعی تحلیل ثانویه از پژوهش‌های انجام شده پیرامون هنر مدرن و معاصر در سرزمین‌های اسلامی است. برخی پژوهش‌ها به آثار هنری پرداخته‌اند و برخی به رویدادها، نهادها و دوسالانه‌های هنری پرداخته‌اند. در مطالعه تطبیقی، رویدادها و نهادها، سازمان‌ها و الگوهای جریان‌ساز در هنر مورد مقایسه قرار می‌گیرند. در این مقاله با مطالعه تطبیقی منابع به این پرسش‌ها می‌پردازیم که: چه روش‌ها و رویکردهایی در مطالعات هنر مدرن و معاصر اسلامی در پیش گرفته شده است؟ در چه حوزه‌هایی مطالعات بیشتری انجام شده و در چه بخش‌هایی مطالعات کمتر بوده و نیاز به توجه بیشتر پژوهشگران دارد؟

### ۳. مطالعات هنر اسلامی مدرن و معاصر

از جمله اولین منابع پیرامون هنر اسلام در دوران مدرن کتاب وجدان علی (Ali, 1989) با عنوان «هنر مدرن و معاصر جهان اسلام» است؛ کتابی که هنر را به تفکیک کشورهای اسلامی از مراکش، مصر، عراق، ایران، پاکستان تا اندونزی مورد مطالعه قرار داد. کتاب فاقد تحلیل نظری است و بیشتر جنبه توصیفی دارد و روند تأسیس مدرسه‌ها و نهادهای هنر مدرن و هنرمندان مدرن را در این کشورها دنبال کرده است؛ اما در نسخه بازنگری شده کتاب که در سال ۱۹۹۷ منتشر شد، این مسئله با افزودن سه مقاله تحلیلی به آخر کتاب جبران شد. وجدان علی روند هنر مدرن در سرزمین‌های اسلامی را در سه مرحله دسته‌بندی می‌کند: مرحله اول با عنوان «یادگیری» است که به تقلید از سبک آکادمی اروپایی نوعی هنر غربی - اورینتالیستی میان هنرمندان غالب می‌شود؛ در مرحله دوم که آن را «خودیابی» می‌نامد تلاش برای پیوند سوژه‌های محلی با سبک‌های غربی آغاز می‌شود؛ در مرحله سوم بازگشت به «میراث اسلامی» مورد توجه قرار می‌گیرد و نوعی هنر مدرن اسلامی شکل می‌گیرد (علی، ۱۹۹۷: ۱۹۷-۱۳۸). البته دسته‌بندی‌های مؤلف کامل نیست اما از اهمیت کتاب کم نمی‌شود زیرا هم از شروع‌کنندگان مطالعه تطبیقی هنر در سرزمین‌های اسلامی بوده و هم با طرح مفهوم «هنر اسلامی مدرن» آغازگر مباحث تازه شد.

مطالعات پیرامون هنر مدرن یا معاصر اسلامی چندان زیاد نیست. علت اصلی پرچالش بودن مفهوم «هنر اسلامی مدرن» است. با این حال برخی منابع با صراحت بیشتری هنر مدرن و معاصر اسلامی را مورد پرسش و کنکاش قرار می‌دهند همچون کتاب گلین لاوری (Glenn D. Lowry) مدیر موزه هنرهای معاصر نیویورک.

گلین لاوری (Lowry, 2009) در کتاب «نفت و شکر» با عنوان فرعی هنر معاصر و فرهنگ اسلامی، به دنبال پاسخ به این پرسش است که کدام هنرمند از سرزمین‌های اسلامی را می‌توان معاصر دانست. لاوری هر نوع مطالعه پیرامون هنر معاصر اسلام را ادامه پرسش‌های اولگ گرابار در کتاب شکل‌گیری هنر اسلامی می‌داند (Lowry, 2009: 8) اما معتقد است به مفاهیم تازه‌ای برای توصیف هنر معاصر اسلامی نیاز داریم، لذا به اصطلاح‌هایی چون هنر جهانی، دیاسپوریک، پسااستعماری و تراملی می‌پردازد؛ مؤلف نگاه خوش‌بینانه‌ای به جریان هنر معاصر دراز سرزمین‌های اسلامی دارد و معتقد است که نوعی امکان گفتگو و مذاکره میان ارزش‌های جهانی و محلی مقدور شده است که هنرمندان از

کشورهای حاشیه (همچون خاورمیانه و مسلمان) امکان فعالیت در فضایی یافته‌اند که آن را «نظام جهانی» می‌نامد (Ibid: 9)؛ مؤلف آثار هنرمندانی را بررسی کرده که به عنوان هنرمندان مهاجر یا دورگه امکان جابجایی و گفتگو میان جهان حاشیه (اسلامی) با جهان مرکز (غرب) برایشان ممکن است؛ هنرمندانی چون نزکت اکیچ (Nezaket Ekici) هنرمند ترکی آلمانی، لالا الصعیدی (Lalla A. Essaydi) هنرمند مراکشی آمریکایی، شیرین نشاط هنرمند ایرانی آمریکایی، ولید رعد (Walid Raad) هنرمند لبنانی آمریکایی. لاوری، معاصر بودن را امکانی برای ارتباط میان مرکز و پیرامون تلقی می‌کند که هنرمندان مهاجر با تجربه‌های دیاسپوریک به دست می‌آورند؛ این تعریف البته محدود و تقلیل‌گرایانه است و مانع از تبیین دیگر جریان‌های هنری معاصر در سرزمین‌های اسلامی می‌گردد.

نقاشی خط از مهمترین جریان‌های هنر اسلامی مدرن است. منابع متعددی درباره نقاشی خط منتشر شده است از جمله مهمترین آنها کتاب رز عیسی و همکارانش (Issa, ۲۰۱۶) با عنوان «نشانه‌های زمان ما: از کالیگرافی به کالیگرافیتی» است. در این کتاب تلاش شده تحولات هنری و پیدایش زیبایی‌شناسی نوین در سرزمین‌های اسلامی بحث شود و دسته‌بندی جامعی از خوشنویسی مدرن و نقاشی خط در دوران مدرن و معاصر ارائه گردد. کتاب به بررسی آثار ۵۳ هنرمند در سه نسل می‌پردازد. نسل اول آثار هنرمندانی است که پس از استقلال و شکل‌گیری کشورهاشان به ابداع یک زبان زیبایی‌شناسی جدید پرداختند و هویت استقلال‌طلبانه و ملی‌گرایانه جدید را تثبیت کردند. نسل دوم آثار هنرمندان در تبعید است که فرهنگ و زبان سرزمینی را در آثارشان ارجاع می‌دهند. نسل سوم آثار هنرمندان معاصر است که زبان و نگارش فارسی و عربی را با زیبایی‌شناسی، زبان و مفاهیم بین‌المللی ادغام کرده‌اند و آثاری مفهومی در بستر سیاست و فرهنگ خلق می‌کنند. رز عیسی این مجموعه را ریخت‌شناسی از حروف، واسازی و دوباره‌سازی خوشنویسی می‌داند؛ اگرچه تأکید می‌کند اغلب این هنرمندان، خوشنویس نیستند بلکه کلمه و نشانه‌های نوشتاری را در آثارشان به کار می‌برند. عیسی این جریان را مدرنیته جایگزین (alternative modernities) یا آلترناتیو می‌نامد. جریانی از پاپ آرت معنوی (spiritual pop art) که در کشورهای مختلفی از تونس، لبنان، عراق و ایران طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ توسعه یافت. جریان دوم با مهاجرت و تبعید هنرمندان لیبرال از کشورهای اسلامی طی دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رشد کرد. جریانی از تراریختی (transformation) فرهنگی که متناسب با موقعیت هنرمندان مهاجر و غیرمکان‌مند بود. جریان سوم پس از وقایع ۱۱ سپتامبر و شکل‌گیری



مفهوم تروریسم تراملی (transnational terrorism) به وجود آمد؛ این بار کالیگرافی بیانی از هنر دیاسپورای و هیبریدی است که در خود مضامین و مفاهیم انتقادی دارد (عیسی، ۲۰۱۶: ۲۰-۲۲). این بررسی چندجانبه از جریان نقاشی خط ناشی از آن است که این جریان به مهم‌ترین معرف هنر اسلامی مدرن تبدیل شده است.

لوپز، لامونی و الوس (Lopes and others, ۲۰۱۵) در کتاب «روند جهانی در هنر اسلامی معاصر و مدرن» مقالاتی را برای پرسش از چیستی هنر اسلامی مدرن گرد آورده‌اند. در این کتاب، سلویا نف در مقاله‌ای با عنوان «چگونه هنر معاصر اسلامی «اسلامی» است به بحث همزمانی (synchronic) و در زمانی (diachronic) «هنر اسلامی مدرن» می‌پردازد (Naef, 2015: 1003-1005) و امکان و اعتبار این اصطلاح را بررسی می‌کند. استیسی شایویلر (Staci Gem Scheiwiller) در مقاله‌ای به این پرسش می‌پردازد که آیا در دوران هنر پسااسلامی قرار داریم؛ سپس به موقعیت هنر اسلامی در وضعیت پسامدرن می‌پردازد. مونا عبدالله نقش نمایشگاه‌ها و موزه‌ها در ساخت هنر اسلامی را مطالعه کرده است. در این مجموعه مقالاتی از سارا راجرز (Sara Rogers) و میثم یزدی منتشر شده است.

به منابع بیشتری می‌توان اشاره کرد همچون کتاب «آینده سنت و سنت آینده» با سرویراستاری کریس درکون و همکاران (Dercon and others, 2011) که به مناسبی نمایشگاهی در سال ۲۰۱۰ با عنوان «صد سال پس از نمایشگاه شاهکارهای هنر اسلامی» منتشر شد. نمایشگاه ۱۹۱۰ مونیخ از بزرگترین رویدادهای هنر اسلامی در قرن گذشته بود و بسیاری آن را نقطه عطف شناخت و نظریه‌پردازی هنر اسلامی می‌دانند. در این کتاب، دیوید راکسبرگ (David Roxburgh) به تاثیر دیدگاه شرق‌شناسانه بر هنر اسلامی در طول قرن نوزدهم و بیستم پرداخته است؛ صلاح حسن (Salah M. Hasan) در مقاله‌ای با عنوان «هنر اسلامی معاصر» به هنر اسلامی و بازنمایی مسلمانان پس از حادثه ۱۱ سپتامبر پرداخته، ندا شبوط به هنر مدرن عرب پرداخته و آن را در تمایز با هنر اسلامی بحث کرده، اوا ترولنبرگ (Eva-Maria Troelenberg) به نقش نمایشگاه مونیخ در ساختن مفهوم «شاهکار» در هنر اسلامی پرداخته است. همچون کتاب بنوت جوئند و جمعی از پژوهشگران (Junod and others, ۲۰۱۲) با عنوان «هنر اسلامی و موزه» که در آن به تأسیس موزه‌ها و مجموعه‌های جدید هنر اسلامی پرداخته‌اند. در این مجموعه بنوت جوئند تأثیر حملات یازده سپتامبر بر تغییر رویکرد موزه‌های هنر اسلامی را مورد بحث قرار داده است و گلرو نجیب اوغلو در جستجوی رویکردی برای امکان بحث از هنر اسلامی در

دوران مدرن است. همچنین بلر و بلوم (Blair and Bloom, 2019) در کتابی با عنوان «هنر اسلامی: گذشته، حال و آینده» که به مناسبت هفتمین دوسالانه فرهنگی قطر منتشر شد به طرح پرسش‌های تازه از هنر اسلامی در دوران مدرن و معاصر پرداخته‌اند. در این مجموعه مقالات وجدان علی به تمایز مدرن و معاصر می‌پردازد و این نکته را دنبال می‌کند هنر اسلامی مدرن صحیح‌تر است یا معاصر؟ ندا شبوط به هنر معاصر عراق می‌پردازد و چالش میان اسلامی بودن و عربی بودن این هنر را کنکاش کرد و لیندا کاماروف (Linda Komaroff) به پیوند گذشته و معاصر در هنر معاصر اسلامی پرداخته است؛ اگر چه تعریف ایشان از هنر اسلامی معاصر بیشتر به معنای هنر برخاسته از خاورمیانه و با مضامین سیاسی خاورمیانه است.

مطالعات پیرامون هنر اسلامی مدرن و معاصر در حال افزایش است. همایش‌های متعددی در این زمینه برگزار شده و کاتالوگ‌های نمایشگاه‌های مختلفی منتشر شده است. بحث از امکان معاصر بودن هنر اسلامی چالش برانگیز است برخی معاصریت در هنر اسلامی را همچون هجو و ترکیبی التقاطی می‌دانند که انسجام مفهوم هنر اسلامی را به خطر می‌اندازد و برخی بحث از معاصریت را نشانه پویایی اسلام و هنر اسلامی در زمانه حاضر می‌دانند.

#### ۴. مطالعات هنر خاورمیانه

از آغاز قرن جدید مطالعات هنر در سرزمین‌های اسلامی، زیر مقوله هنر خاورمیانه توسعه یافت. کتاب شریفه زهیر (Sherifa Zuhur) از جمله اولین منابع است که به تحولات هنر زیر عنوان خاورمیانه پرداخته است. مؤلف در کتاب «تصاویر سحرآمیز» (۱۹۹۸) و کتاب «رنگ‌های سحرآمیز» (۲۰۰۱) به هنر تئاتر، رقص، موسیقی و نقاشی خاورمیانه می‌پردازد. کتاب تاریخ‌نگارانه نیست بلکه برخی موضوعات محوری را کنکاش کرده است. مثلاً سلوی مقدادی (Salwa Mikdadi) به جنسیت و سیاست در هنر معاصر عرب پرداخت و ضمن بررسی فشرده از تاریخ هنر در مصر و عراق و لبنان به برخی هنرمندان زن چون انجی افلاطون (Indji Aflatoun) و عفت ناجی (Effat Nagy) در مصر و هلن خال (Helen Khal) در لبنان پرداخته و تلاش آنها برای تغییر بازنمایی تصویری از زن سستی را بررسی کرده است. زهیر (۲۰۰۱) در کتاب دوم نیز رویکرد قبل را ادامه می‌دهد؛ اگرچه این کتاب‌ها حوزه‌های وسیعی از تئاتر، فیلم و رقص را در جغرافیای بزرگی از ایران، عراق،

مصر و مراکش دنبال کرده‌اند و چشم‌اندازهای خوبی در هر بخش ارائه می‌دهند اما نمی‌توان در آن‌ها رویکرد منسجمی در شناخت هنر خاورمیانه دنبال کرد.

با شکل‌گیری بازار هنر خاورمیانه و فروش قابل توجه خانه‌های حراج تعداد کتاب‌ها پیرامون هنر خاورمیانه افزایش یافت. کتاب ونیسا پرتز (Porter, ۲۰۰۶) با عنوان «کلمه در هنر» از چند جهت اهمیت دارد. کتاب همزمان با نمایشگاهی با همین عنوان در لندن منتشر شد؛ در کتاب به مشخصه‌هایی از هنر در سرزمین‌های اسلامی پرداخته شد که در سال‌های بعد مورد توجه بازار هنر و حراجی‌ها قرار گرفتند. از این رو کتابی جریان‌ساز بود. مؤلف در فصل اول به نوشته‌های مقدس و اهمیت خط در نگارش قرآن پرداخته، در فصل دوم به نسبت ادبیات و هنر در سنت نگارگری، فصل سوم به جریان‌سازی و شالوده‌شکنی کلمه در آثار هنری، و در فصل پایانی به بازنمایی هویت، تاریخ و سیاست با حروف و نوشتن در آثار هنرمندان خاورمیانه پرداخته است.

کتاب مونم، اسلومان و کاتر (Monem and others, ۲۰۰۹) با عنوان «هنر معاصر در خاورمیانه» و لیزا فرجام (Farjam, ۲۰۰۹) با کتاب «بدون نقاب: هنر جدید خاورمیانه» به فرم‌ها و تجربه‌های جدید در هنر خاورمیانه پرداختند. البته این کتاب‌ها بیشتر کاتالوگ آثار هستند. مثلاً کتاب بدون نقاب، کاتالوگ نمایشگاهی با همین عنوان از مجموعه ساچی بود. کتاب صائب ایگنر (Eigner, ۲۰۱۰) با عنوان «هنر خاورمیانه: هنر مدرن و معاصر جهان عرب و ایران» دیدگاه جامع‌تری نسبت به روند شکل‌گیری هنر خاورمیانه ارائه می‌دهد. مقدمه کتاب بر نقش مهم و پیشرو مصر و ایران تأکید می‌کند سپس در هفت فصل به تجربه‌های هنری خاورمیانه می‌پردازد؛ در فصل اول با عنوان نگارش مقدس به اهمیت خط در کشورهای عربی، ایران و ترکیه اشاره دارد و تداوم این سنت را در هنر مدرن دنبال می‌کند. در فصل دوم به جریان ادبیات و مدرنیته ادبی در کشورهای اسلامی می‌پردازد و آن را عرصه تفکر و توسعه روشنگری و روشنفکری دانسته است. فصل بعدی به پیشتازی و نوآوری در موسیقی و نمایش می‌پردازد. یکی از فصل‌های مهم کتاب مبحث سیاست، کشمکش و جنگ در منطقه و تأثیر آن بر هنر است؛ جنگ میان اعراب و اسرائیل، کشمکش‌های نفتی و جنگ برای مرزهای سرزمینی بخش مهمی از تجربه‌های هنرمندان بوده است. فصل پنجم به هویت‌جویی تاریخی در هنر می‌پردازد؛ برخی این هویت را در باستان‌گرایی و برخی در اسلام‌گرایی دنبال کرده‌اند. فصل ششم به بحث پرتره و بدن پرداخته است. با توجه به محدودیت‌های اسلام در تصویرگری و مجسمه‌سازی و

نمایش بدن، هنرمندان استراتژی‌های ویژه‌ای برای تغییر شکل دادن و از شکل‌انداختن تصویر بدن در آثارشان در پیش گرفته‌اند؛ البته هنرمندان معاصر با رویکردهای فمینیستی اغلب بر بازنمایی بدن تأکید می‌کنند و به آثارشان وجه انتقادی می‌دهند. فصل هفتم و پایانی به بازنمایی طبیعت و نشانه‌های سرزمینی همچون کویر، بیابان، درختان پرداخته که سهم زیادی از آثار هنرمندان را شامل می‌شود. این کتاب اگرچه جامع است اما رویکرد تحلیلی منسجمی را در پیش نمی‌گیرد و تنها به طبقه‌بندی توصیفی آثار اکتفا می‌شود.

حمید کشمیرشکن (۲۰۱۵) در کتاب «هنر معاصر از خاورمیانه» به مسئله مهم جهانی - محلی در هنر خاورمیانه می‌پردازد و تبادلات منطقه‌ای را با گفتمان‌های هنر جهانی دنبال می‌کند. در این کتاب مقالاتی به قلم حمید دباشی، ندا شبوط (Nada M. Shabout)، حمید سوری، سارا راجرز، عباس دانشوری، و هلیا دارابی به نگارش درآمده که به نهادهای جدید هنر و تجربه‌های جدید هنرمندان ایران و عرب پرداخته‌اند. کتاب به این پرسش مهم می‌پردازد که آیا روایت درونی و بیرونی از خاورمیانه متفاوت است؟

نهادهای بازار هنر چون خانه حراج کریستز و گالری‌های دبی از توسعه مفهوم هنر خاورمیانه استقبال می‌کنند. البته این مفهوم منتقدانی دارد، چرا که آن را مفهومی نوازش‌شناسانه و نواستعماری می‌دانند که بر آثاری با مضامین کلیشه‌ای و اگزوتیک همچون چادر، جنگ و ترور تأکید دارند؛ آثاری که ناسازه‌ها و چالش‌های مدرنیته در سرزمین‌های اسلامی را برجسته می‌کنند. به هر حال با توجه به استقبال بازار و رسانه‌ها از این مضمون‌ها، مطالعات پیرامون هنر خاورمیانه همچنان در حال افزایش است.

## ۵. مطالعات هنر مدرن و معاصر عرب

اولین دوسالانه هنر عرب در بغداد (در سال ۱۹۷۴) فرصتی برای طرح چستی هنر عرب در دوران مدرن بود. از آن دوران مطالعه پیرامون هنر عرب در چارچوب پان‌عرب‌یسم بیشتر شد و کتاب‌هایی به نگارش در آمد که فراتر از هنر مصر، عراق، سوریه و لبنان به مفهومی کلان‌تر زیر عنوان هنر عرب می‌پرداختند. به برخی از کتاب‌های مهم در این زمینه اشاره می‌کنیم.

سلوی مقدادی (۱۹۹۴) در کتاب «نیروهای تغییر: هنرمندان جهان عرب» به موضوعاتی چون هنرمندان زن و پیشروهای هنر مدرن عرب پرداخته اما بحث نظری درباره چستی هنر مدرن عرب ارائه نمی‌دهد. سیلویا نف (۱۹۹۶) در فصل پایانی کتاب «در جستجوی

مدرنیته عربی» به چالش‌های مفهوم هنر عربی می‌پردازد. چه ویژگی‌های مشترکی در هنر کشورهای عربی وجود دارد که بتوان آن را عربی دانست. از نظر منتقدان ساخت هنر عربی محصول گفتمان شرق‌شناسی است چرا که تفاوت‌های هنر سرزمین‌های عربی بیش از شباهت‌های آن است. همچنین ایدئولوژی پان‌عربی برای تأکید بر وحدت جهان عرب بر هنر عربی تأکید دارد. اما برخی دیگر معتقدند کشورهای عربی نه تنها زبان و مذهب مشترک بلکه موقعیت‌های ساختاری دارند که موجب شکل دادن به هنر عربی شده است. به هر حال اکنون که مباحث نظری پیرامون مطالعات منطقه‌ای هنر افزایش یافته، دقت نظری برای تفکیک هنر اسلامی، عربی و خاورمیانه نیز بیشتر شده است.

ندا شبوط (۲۰۰۷) در کتاب «شکل‌گیری هنر عربی مدرن» برخلاف اغلب منابع به شرح و توضیح آثار یا هنرمندان پرداخته بلکه به جریان‌شناسی هنر در جهان عرب می‌پردازد. شبوط کتاب را با یک چالش مفهومی آغاز می‌کند و آن تلاش برای جدا کردن مفهوم هنر عرب از هنر اسلامی است و در متن کتاب شرح می‌دهد که هنر مدرن عرب ادامه هنر اسلامی نیست بلکه هنر مذهبی - اسلامی به هنر سکولار - عرب تغییر کرده است (Shabout, 2007: 13-14). کتاب شبوط موجب توسعه بحث‌های تازه درباره هنر عربی مدرن شده است.

کتاب «چشم‌انداز تازه به هنر معاصر عرب در قرن ۲۱» به سر ویراستاری حسین امیرصادقی (۲۰۰۹) منتشر شد. در این کتاب ندا شبوط به معاصریت و جهان عرب می‌پردازد و به نقش بازار، نهادهای فروش و نقش سیاست‌های پس از ۱۱ سپتامبر به‌عنوان عوامل مهم شکل گرفتن هنر معاصر عرب اشاره می‌کند. او تأکید می‌کند هنر معاصر عرب را نمی‌توان بدون جریان تاریخی هنر مدرن عرب شناخت. لذا به چهار مبحث می‌پردازد؛ اول مدرنیته عربی در طول قرن بیستم، دوم جریان جهانی شدن پس از دهه ۱۹۹۰، سوم پیدایش و گسترش تضادها و جنگ‌ها پس از سال ۲۰۰۰ در منطقه، و چهارم وضعیت هیبریدی به دلیل جریان مهاجرت‌ها و افزایش روند چندرنگه و چندفرهنگی در جهان عرب. کتاب شامل مقالات دیگری از سلوی مقدادی، ونیسا پرتو و سارا راجرز است که اغلب به تجربه‌های دیاسپورا در جریان هنر معاصر عرب پرداخته‌اند.

گریگوری بوشاکجیان (Buchakjian, ۲۰۱۲) در کتابی با عنوان «جنگ و چیزهای ممکن و ناممکن» و با زیر عنوان «تأملی بر تاریخ عرب و هنر معاصر» به آثاری پرداخته که از جنگ‌ها و تنش‌های سیاسی به ویژه حادثه ۱۱ سپتامبر متأثر شدند و به این پرسش می‌پردازد

که هنرمندان چگونه با این وضعیت‌های تروماتیک در جهان عرب مواجه شده‌اند. این کتاب تاریخ‌نگارانه نیست اما در بستری تاریخی به آثار هنر معاصر می‌پردازد. در فصل اول مؤلف به آثاری می‌پردازد که ایده‌های شرق‌شناسانه را به چالش می‌کشند همچون اثری از حسن موسی که نقشه سرزمین‌های عرب را زیر نفوذ استعمار نشان می‌دهد. در فصل دوم به آثاری پرداخته که ایده جهان عرب (یا به تعبیر مؤلف توهم بزرگ) را دستمایه کارشان قرار داده‌اند. در فصل بعد به جهان عرب همچون منطقه جنگی اشاره می‌کند؛ از ۱۹۴۸ تا ۲۰۱۱ تعداد ۳۴ جنگ داخلی و مرزی در این منطقه رخ داده است که منشأ همه این جنگ‌ها دو چیز بوده: کشمکش‌ها برای نفت و منازعه با اسرائیل (Buchakjian, 2012: 49). مؤلف به تأثیر جنگ در برهان کرکوتلی، علاء یونس، عادل عابدین، تارک القوسی، ایمان بعلبکی می‌پردازد. در فصل‌های دیگر نیز به موضوعاتی چون تنش‌های آمریکا و مسلمان پرداخته و هنرمندانی که پرچم آمریکا را دستمایه کارشان قرار داده‌اند.

موزه هنر مدرن نیویورک (MOMA) کتابی با عنوان «هنر مدرن در جهان عرب» به سرویراستاری آنیکا لنسن، سارا راجرز و ندا شبوط (۲۰۱۸، Lensen, Rogers and Shabout) منتشر کرد که شامل مجموعه‌ای از نوشته‌ها، مانیفست‌ها و مقالات هنرمندان عرب بود. کتاب شامل ۱۲۵ سند در بازه زمانی ۱۸۸۲ تا ۱۹۸۷ از جریان هنر در سرزمین‌های عرب‌زبان خاورمیانه است (Ibid: 18)؛ نوشته‌هایی که نشانگر تشکیل اولین گروه‌های هنر، اولین نقدهای هنری و اولین نمایشگاه‌های هنر در جهان عرب است. کتاب مبنایی برای پیشبرد نگارش تاریخ هنر عرب است.

موزه هنر مدرن عرب در قطر از دیگر بنیادهای مهم در حمایت از انتشار کتاب‌ها و کاتالوگ‌های آثار هنرمندان عرب است؛ کاتالوگ افتتاحیه توسط ندا شبوط و همکارانش (۲۰۱۰) با عنوان «شناسنامه: یک قرن هنر مدرن اعراب» منتشر شد. در این کتاب وسان الخدیری (Wassan Al-Khudhairi) در مقاله‌ای به مسئله نهاد هنر و نهادینه‌سازی هنر با توسعه موزه‌ها پرداخته و سوفیا ماریا (Sophia al Maria) و دینا چلیبی (Deena Chalabi) به نقش موزه در مجموعه‌سازی و تاریخ‌نگاری هنر عرب پرداخته‌اند. همچنین ندا شبوط مسئله نمایشگاه‌گردانی هنر مدرن عرب و اهمیت و نقش موزه دوحه را در جهان عرب جدید (The New Arab World) توضیح می‌دهد. اصطلاح «جهان عرب جدید» اشاره به جابجایی جغرافیایی مرکزیت جهان عرب از مصر و سوریه و عراق به کشورهای عربی منطقه خلیج فارس (شبه‌جزیره عربی) دارد. بخش اصلی این کتاب شامل معرفی ۱۲۰ هنرمند

عرب است که آثارشان در موزه هنر مدرن دوحه نگهداری می‌شود؛ آثار بر اساس مضامین طبیعت، شهر، فردگرایی، فرم آبستره، اجتماعی، خانوادگی، تاریخی و اسطوره‌ای، حروفیه و دیگر موضوعات تفکیک شده‌اند.

موزه هنر مدرن دوحه به انتشار کتاب‌های دیگر نیز پرداخته همچون کتاب بردوئیل و فلرات (Bardouil and Fellrath, ۲۰۱۰) با عنوان «گفته، ناگفته، دوباره گفته» که به بهانه نمایشگاهی در موزه دوحه با همین عنوان منتشر شد و شامل ۲۳ روایت از آثار هنرمندان عرب است. نویسندگان جریان هنر مدرن عرب را ترامدرن (transmodern) می‌نامند. بردوئیل مفهوم ترامدرن را مفهومی پسااستعماری می‌داند که امکان شنیدن صداهای حاشیه‌ها و فرودستان را در عصر جهانی شدن فراهم می‌کند. از همین رو عنوان فرعی نمایشگاه را روایت فضا و زمان می‌نامد.

بنیاد بارجیل (Barjeel Art) از دیگر نهادهای حامی مطالعه و انتشار کتاب پیرامون هنر معاصر عرب و خاورمیانه است. در کتابی به سروراستاری عمر خلیف (Kholeif, ۲۰۱۵) با عنوان «گاه‌شماری ناتمام: هنر عرب از مدرن تا معاصر» تصاویر بخشی از گنجینه بنیاد بارجیل منتشر شد؛ خلیف در مقاله آغازین این کتاب به دوره‌بندی هنر عرب می‌پردازد و چهار دوره را تفکیک می‌کند. دوره اول با عنوان استقلال‌طلبی و ملی‌گرایی عربی (از آغاز قرن بیستم تا سال ۱۹۶۷) که مضامین این دوره اغلب سرزمینی و ملی‌گرا است. دوره دوم (از ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۰) شامل آثاری است که نشانه‌های فرهنگی و مذهبی را با هنر فرمالیستی مدرن تلفیق کردند. دوره سوم (از دهه ۱۹۹۰) شامل آثاری است که رسانه‌محور هستند مانند عکاسی، هنر مفهومی، ویدئو و پرفورمنس و اغلب مضامین انتقادی و سیاسی دارند. دوره چهارم (پس از سال ۲۰۰۰) شامل تجربه معاصر هنرمندان با ملیت عرب منطقه خلیج فارس (GCC) است. آثاری که ملیت، هویت و تصویر تازه از عرب را ترسیم می‌کنند و تجربه زیسته در این منطقه را ارائه می‌دهند.

در حال حاضر پژوهشگران متعددی در تلاش برای شکل دادن به هویت هنر عرب هستند؛ انتشار کتاب‌های متعدد پیرامون موزه‌های عربی، میراث فرهنگی عربی و هنر معاصر عربی در همین راستا است.

## ۶. مطالعات در مرزهای ملی

مطالعه هنر مدرن در مرزهای ملی پیشینه زیادی دارد. منتقدان و پژوهشگران متعددی از دهه ۱۹۶۰ درباره هنر مدرن ترکی، ایرانی، مصری و عراقی نوشته‌اند. در این میان، درباره هنر مدرن و معاصر مصر مطالعات بیشتر و متنوع‌تری انجام شده است. تنها به چند مطالعه متأخر اشاره می‌گردد که اهمیت بیشتری در جریان‌سازی پژوهش‌ها داشتند. انگلستد (Engelstad, ۱۹۹۴) در پژوهشی با عنوان «گرایش‌ها در نقاشی مصری مدرن» به جریان سورئالیسم، فرعون‌گرایی، اسلام‌گرایی، شرقی‌گرایی، فولکلورگرایی، اسطوره‌گرایی در هنر قرن بیستم مصر پرداخته است؛ این پژوهش همچون بسیاری پژوهش‌ها به توصیف و دسته‌بندی موضوعی آثار پرداخته و فاقد تحلیل منسجم است. وجه تحلیلی را می‌توان در کتاب پاتریک کین (Kane, ۲۰۱۳) با عنوان «سیاست هنر در مصر مدرن» دنبال کرد که به زیبایی‌شناسی، ایدئولوژی و ملت‌سازی در سیاست‌های هنری می‌پردازد؛ کتاب بر سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ متمرکز است و تأثیر جریان نهضت عربی، سیاست‌های جمال عبدالناصر و جنگ با اسرائیل را بر تأسیس جشنواره‌های هنری و حمایت از گروه‌های هنری دنبال می‌کند. مؤلف این پرسش را محور مطالعه خود قرار می‌دهد که چرا/چگونه هنرهای تصویری عرصه کشمکش‌های میان دولت و دهقانان شد؟ چگونه نخبه‌های اجتماعی از هنر برای متمایز کردن و هویت‌بخشیدن به خود استفاده کردند؟ چگونه دولت با حمایت از هنرهای مردمی و مذهبی تلاش کرد شدت تقابل میان نخبگان طبقه بالا و دهقانان و طبقات پایین را کم کند؟ کتاب پاتریک کین بر اساس روش‌های معمول در تاریخ‌نگاری هنر به نگارش در نیامده بلکه کتابی درباره تاریخ اجتماعی هنر مصر است. مولف است مدرنیسم هنری مصر را نباید صرفاً به عنوان گرایش به غرب تفسیر کرد بلکه باید در متن تاریخ اجتماعی مصر مطالعه گردد از این رو کتابی متفاوت و عمیق به حساب می‌آید.

جسیکا وینگر (Winegar, ۲۰۰۶) در کتاب «تدابیر خلاقانه: سیاست‌های هنر و فرهنگ در مصر معاصر» تلاش می‌کند روایتی پسااستعماری از هنر مصر ارائه دهد؛ کتاب به این پرسش انسان‌شناسانه می‌پردازد که تجربه هنر مدرن در مصر به عنوان یک جامعه سنتی (و پیرامونی نسبت به اروپا و آمریکا)، چگونه زندگی افراد را معنادار ساخته است؟ وینگر مطالعه خود را تبارشناسانه می‌داند چرا که طرح مباحث پیرامون اصالت فرهنگی و سیاست فرهنگی و آزادی فرهنگی در جهان عرب فقط مسئله‌ای تاریخی نیست بلکه همچنان در



جریان و معاصر است (Winoga, 2006: 15). لیلیان کارنوک (Karnouk, ۲۰۰۵) در کتاب خود با عنوان «هنر مدرن مصر» در شانزده فصل به مروری تاریخی هنر مدرن مصر پرداخته است. این بررسی از بیداری مصر و استقلال‌طلبی از عثمانی آغاز می‌شود که نوعی هنر ناسیونالیستی را دنبال می‌کردند تا هنرمندان مدرنیست که به سبک انتزاعی و فرمالیستی نقاشی می‌کردند و همچنین هنرمندانی که به دنبال احیاء یا بازگشت به هنر اسلامی، نوعی هنر اسلامی مدرن را شکل دادند. کتاب بررسی جامعی از روندها را شامل می‌شود.

الکس سگرمن (Seggerman, ۲۰۱۹) در کتاب «مدرنیسم در نیل» به هنر مصر در میانه اسلام‌گرایی و معاصر بودن پرداخته است. او در شرح رویکردش می‌نویسد، برخلاف جسیکا و نیگر که هنر مصر را در جغرافیای تاریخی مصر بررسی می‌کند و پاتریک کین که آثار هنری را در چارچوب سیاسی و طبقاتی مصر تحلیل کرده، در این کتاب بر ابعاد هنری و زیبایی‌شناسی آنها تأکید می‌کند. مؤلف از اصطلاح مدرنیسم فلکی (Constellational Modernism) برای شرح تحولات هنر کشورهای پیرامونی و توضیح سهم آنها در ساخت هنر جهانی استفاده می‌کند. به اعتقاد او نمی‌توان هنر را به بخش‌های جغرافیایی تفکیک کرد. بلکه باید در گستره‌ای وسیع‌تر از اتصالات هنر همچون مجموعه‌ای اقماری صحبت کرد. نوعی ابررابطه (hyper-connection) میان آثار و هنرمندان وجود دارد که آنها را قادر می‌سازد از یکدیگر الهام بگیرند، بر یکدیگر تأثیر بگذارند و فراتر از جغرافیا به هنر شکل دهند. این مفهوم نقدی بر مدرنیسم غرب‌محور (اروپا و آمریکا محور) است و رویکرد متنوع‌تری نسبت به مفهوم مدرنیته دارد. لذا کتاب رویکردی پسااستعماری دارد و راهی جدید برای درک فرهنگ بصری مصر و درک مدرنیسم به عنوان یک پدیده جهانی ارائه می‌دهد. برای مؤلف هنر جهانی معنای غربی ندارد بلکه برآیندی از آثار و کارهای هنرمندان در سراسر جهان است. این کتاب بیش از آن که هنر مصر را شرح دهد، مصر را نمونه‌ای برای بسط مفهوم نظری خود یعنی مدرنیسم فلکی قرار داده است. ممکن است این مفهوم بتواند چشم‌انداز تازه‌ای برای مطالعات منطقه‌ای و غیراروپایی ایجاد کند.

مطالعات پیرامون هنر عراق نیز گسترده است. هنرمندانی چون شاکر حسن السعید و شوکت الربیعی اولین متن‌ها و نقدها را درباره هنر مدرن عراق به نگارش در آوردند. اما از آغاز قرن جدید، بر تعداد این نوشته‌ها افزوده شده است. به برخی از منابع متأخر اشاره می‌کنیم؛ همچون کتاب میسالون فرج (Faraj, ۲۰۰۱) با عنوان «ضربه‌های نبوغ» که به هنر مدرن عراقی پرداخته و کنعان مکیه (Makiya, ۲۰۰۴) در کتابی با عنوان «یادمان» که به

تحولات و ابتدال هنر در دوران صدام حسین پرداخته و شرح داده چگونه حکومت بعث هنر را برای تبلیغات سیاسی به خدمت گرفت.

چارلز بوکوک و سمر فاروقی (۲۰۱۱، Pocock and Faruqi) در کتاب «هنر عراق امروز» به هفده هنرمند عراقی پرداخته‌اند. بوکوک در مقدمه‌ای تفصیلی به بررسی تاریخی هنر در عراق می‌پردازد و به شباهت هنر عراق و ایران با وجود اختلاف‌های سیاسی و جنگ اشاره می‌کند (Ibid: 11). همچنین شرح می‌دهد هنر مدرن عراق که متأثر از پان‌عریسم طی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رشد کرد چگونه در دهه‌های بعد به ویژه در دوران جنگ با ایران (در دهه ۱۹۸۰) به ابزار تبلیغاتی حزب بعث تبدیل شد و هنر مستقل و پرتب و تاب عراق به هنر حزبی و سفارشی تبدیل گردید؛ روندی که منجر به مهاجرت برخی هنرمندان چون ضیاء العزاوی شد (Ibid: 15). این روند مهاجرت پس از جنگ با کویت در ۱۹۹۲ بیشتر و پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ گسترده‌تر شد. اکنون نسلی از هنرمندان مهاجر با تجربه‌های دیاسپوریک، هنر عراق را در عرصه بین‌المللی نمایندگی می‌کنند. مؤلف به آینده عراق خوشبین است و معتقد است از دهه ۲۰۱۰ یعنی پس از چند دهه دوباره فرصت برای حضور و ظهور هنر عرب و هنر عراق فراهم شده است.

کتاب «اشتیاق به جاودانگی» به سرویراستاری ماری آنجل شروت (Schroth, ۲۰۱۴) درباره یک قرن هنر مدرن و معاصر عراق است. مقدمه این کتاب را سیلیوا نف (Silvia Naef) با عنوان موزه‌ای در تبعید نوشته است؛ مقاله‌ای درباره ساخت آرشیو و اهمیت مجموعه‌داری در موزه‌های جدید عرب و به طور ویژه مجموعه حسین علی هربی است. خانم نف به عنوان پژوهشگر مطالعات عرب شناخته می‌شود. او در مقالات متعددی (۲۰۱۶؛ ۲۰۱۷) نگارش تاریخ هنر عرب در بستر جهانی را مورد پرسش قرار داده است و می‌پرسد آیا هنر مدرن جهان عرب نسخه تقلیدی و ضعیفی از غرب بوده یا نوعی از مدرنیته غیرغربی است که باید به تاریخ آن مستقل از هنر غرب اندیشید؟ نف معتقد است که باید مفهوم مدرن گمشده (Missing Modern) را برای شناخت هنر منطقه‌ای از جمله هنر عراق، مصر و ایران به کار گرفت. مفهومی که اشاره به تجربه‌های مدرن خارج از سرزمین‌های اروپایی دارد؛ بدون آن‌که آنها را نسخه‌های تقلیدی و کم‌ارزش تلقی کنیم (Naef, 2016: 1010-1011).

کتاب احمد ناجی (۲۰۱۹) با عنوان «زیر درخت نخل» بر مبنای گفتگو با محمد مکیه (Mohamed Makiya) و جواد سلیم (Jawad Salim) به روایت هنر مدرن عراق می‌پردازد و

روند تاسیس دانشکده هنر بغداد و انجمن‌های هنر عراق را بررسی می‌کند و در نهایت با پرداختن به فعالیت‌های گالری کوفی در لندن بخشی از هنر عراق در تبعید را روایت می‌کند. کتاب «ما عراقی هستیم» به سرویراستاری العلی و النجار (۲۰۱۹-Al-Ali and Najjar) کتابی متفاوت است. در این کتاب به زیبایی‌شناسی و سیاست و تأثیر جنگ بر هنر عراق پرداخته شده است. کتاب بیشتر به هنر دیاسپوریک و هنر در تبعید پرداخته و آثاری که راوی ویرانی و آوارگی جنگ هستند را بررسی کرده است.

مطالعه پیرامون هنر فلسطین ابعاد متفاوتی از هنر عربی و اسلامی را نشان می‌دهد؛ اولین کتاب درباره هنر فلسطین توسط اسماعیل شاموت در سال ۱۹۸۹ در کویت منتشر شد. شاموت خود از هنرمندان مهاجر فلسطینی بود که همیشه خاطره وطن را داشت. البته این کتاب جنبه تحلیلی نداشت بلکه کاتالوگی از آثار هنری بود که شاموت طی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ در کمپ آوارگان فلسطینی به نمایش گذاشته بود. گانیت انکوری (۲۰۰۶-Ankori) به تحلیل جریان «هنر فلسطینی» به ویژه بعد از ۱۹۴۸ و تاسیس اسرائیل پرداخته است؛ مؤلف با تحلیل مضمونی به نسل اول هنرمندان فلسطینی مهاجر و آواره همچون اسماعیل شاموت و سلیمان منصور پرداخته که خاطره‌های نوستالژیک، رماتیک و تروماتیک از سرزمین مادری دارند؛ در فصلی دیگر به آثار کمال بلاطه (Kamal Boullata) و هنر هندسی و خط‌پردازی او اشاره می‌کند و در فصلی دیگر به مونا حاتوم می‌پردازد که چگونه مفهوم بدن و خانه را دستمایه خلق آثار هنری می‌کند. البته کتاب بیش از آن‌که درباره هنر فلسطین باشد به بررسی تعداد محدودی هنرمند با ریشه‌های فلسطینی پرداخته است. کتاب کمال بلاطه (Boullata, ۲۰۰۹) اما بررسی تاریخی جامع‌تری از «هنر فلسطینی» طی سال ۱۸۵۰ تا ۲۰۰۵ ارائه داده است. بلاطه نه تنها نقاشی مهم است بلکه از اولین افرادی است که درباره هنر مدرن عرب در سال ۱۹۷۷ مقالاتی منتشر کرد؛ او در کتابش روند تغییر نقاشی‌های مذهبی به سکولار را در هنر فلسطین دنبال می‌کند؛ سپس به بازنمایی نمادهای سرزمینی در آثار هنری می‌پردازد و در نهایت آثار هنرمندان را در گنوه‌های اسکان فلسطینی‌ها در دیگر کشورهای عربی مورد بحث قرار می‌دهد.

درباره هنر مدرن و معاصر در سوریه، لبنان، تونس، الجزایر و دیگر کشورهای اسلامی نیز کتاب‌هایی منتشر شده است. اما منابع بررسی شده توضیح دهنده الگوهای اصلی در تحلیل و نگارش هنر مدرن سرزمین‌های اسلامی است.

## ۷. مطالعات فرهنگ بصری و سیاست‌گذاری تصویر در کشورهای اسلامی

مطالعه هنر در جهان اسلام و خاورمیانه تنها در متن‌های تاریخ‌نگاری هنر و نقد هنر دنبال نمی‌شود بلکه در گستره وسیع‌تری از مطالعات جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی نیز توسعه یافته است. این رویکردها به طور مشخص در پی تحلیل اثر هنری نیستند بلکه به تغییرات فرهنگ بصری در کشورهای اسلامی علاقه‌مند هستند. مطالعه فرهنگ بصری اسلام تنها به معنای مطالعه الگوهای ساختاری از تصاویر تکرار شونده و تثبیت شده نیست که پیش از این در مطالعات شرق‌شناسان از هنر اسلامی دیده می‌شد؛ بلکه از منظر مطالعات فرهنگی، مطالعه فرهنگ بصری به معنای مطالعه و کشف روابط قدرت میان تولیدکننده و مصرف‌کننده تصویر است. به تازگی مطالعات بیشتری پیرامون فرهنگ بصری در سرزمین‌های اسلامی انجام شده است که تلاش دارند نقش هنرها، نمایشگاه‌ها و رسانه‌ها را در بازنمایی جهان اسلام بررسی کنند. از جمله این منابع، کتاب کریستین گروبر و هوگبول (۲۰۱۳، Gruber and Haugbolle) با عنوان «فرهنگ بصری خاورمیانه» است؛ مؤلفان به مطالعه تطبیقی «مسئله تصویر» در کشورهای عربستان سعودی، عراق، ایران، مصر و ترکیه پرداخته‌اند و قدرت و نقش تصویر در شکل دادن به هویت مدرن خاورمیانه را توضیح داده‌اند. استفان هیدمن (Stefan Heidemann) در مقاله‌ای با عنوان «خاطره و ایدئولوژی» به تصویر صلاح الدین ایوبی به عنوان نماد ملی در فرهنگ بصری سوریه و عراق پرداخته و شرح می‌دهد که چگونه صدام حسین در عراق و حافظ اسد در سوریه به عنوان صلاح‌الدین‌های عصر جدید معرفی شدند و تصویرها و مجسمه‌های آنها ساخته شد. پاملا کریمی به مسئله تصویر در توضیح المسائل آیت‌الله خمینی می‌پردازد. مروان کرایدی (Marwan Kraidy) در این کتاب به تحولات سیاست‌گذاری رسانه و تصویر در عربستان سعودی می‌پردازد و فرهنگ بصری جدید را همچون عرصه مشاجره‌های سیاسی در عربستان دنبال می‌کند. کتاب شامل مقالات دیگری است که مؤلفان به ابعاد مختلف رسانه و تصویر و ساخت فرهنگ بصری جدید در خاورمیانه پرداخته‌اند. همچنین کتاب اوکتاویان ایسانو (Esanu, ۲۰۱۸) با عنوان «هنر، مدرنیته و بیداری در خاورمیانه» که به مسئله تصاویر برهنه در نقاشی‌های عثمانی و هنرمندان عرب نیمه اول قرن بیستم در مصر و لبنان پرداخته و چالش‌های فرهنگی و مجادلات مذهبی پیرامون تصویر را مورد مطالعه قرار داده است.

زینہ معاصری (۲۰۰۹, Maasri) در کتابی با عنوان «پوسترهای سیاسی در جنگ داخلی لبنان» به بررسی آرشیو پوسترها در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ پرداخته است. از این رهگذر فرهنگ بصری حزب‌الله و احزاب سوسیالیستی در جهان عرب را مورد مطالعه قرار داده و اهمیت فلسطین به عنوان نمادی ملی و اسلامی را بررسی کرده است. همچنین معاصری (۲۰۱۲) به تغییرات زیبایی‌شناسی در تبلیغات حزب‌الله لبنان می‌پردازد و تأثیر جریان هنر ایدئولوژیک و انقلابی ایران را بر زبان بصری حزب‌الله لبنان و تبلیغات اسلام در دیگر کشورها توضیح می‌دهد. ژوزف آغا (۲۰۱۱, Al Agha) نیز جایگاه هنر مقاومت در ارائه دیدگاه‌های حزب‌الله پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه حزب‌الله در تبلیغات خود از فرهنگ پاپ اسلامی (موسیقی پاپ، هیپ‌هاپ و راک) استفاده می‌کند.

مطالعه فرهنگ پاپ در جوامع اسلامی نیز ابعاد دیگری از مطالعات تصویر را در کشورهای اسلامی نشان می‌دهد. نیوکرک (۲۰۱۲, Nieuwkerk) در کتاب «رپ اسلامی، سریال‌های حلال و تئاتر انقلابی» به توسعه هنر در جوامع مسلمانان پرداخته و این نکته را مورد بحث قرار می‌دهد که موسیقی پاپ در اندونزی، مالزی و مصر توسط خوانندگان زن اجرا می‌شود لذا این پرسش را دنبال می‌کند که چگونه برخی اسلام‌گراها فرهنگ پاپ را به عنوان بخشی از فرهنگ امروزی‌شان پذیرفته‌اند.

جنبش بهار عربی پیوند میان فرهنگ پاپ اسلامی و سبک جدید زندگی جوانان مسلمان را نشان داد. برخی کتاب‌ها به نقش هنر و هنرمندان در جنبش بهار عربی پرداخته‌اند. همچون کتاب شوارتز، کای و مارتینی (۲۰۱۳, Schwartz, Kaye and Martini) با عنوان «هنرمندان و بهار عربی» که نشان می‌دهد هم گروه‌های اسلام‌گرا و هم گروه‌های لیبرال از هنر به طور مؤثری برای دیدگاه‌ها انتقادی و اصلاحی‌شان استفاده کردند. این کتاب به سیاست‌های فرهنگی و فرهنگ بصری مسلمانان سرزمین‌های عربی پرداخته است. در جنبش بهار عربی گرافیتی و دیوارنگاری‌ها نقش مؤثری داشتند. سابرینا ترک (۲۰۱۹, Turk) در کتاب «هنر خیابانی در خاورمیانه» به هنر خیابانی در مصر، لبنان، ایران، تونس، عمان، امارت و دیگر کشورها مانند افغانستان و عراق پرداخته و از یک سو از اهمیت آن به عنوان یک رسانه ایدئولوژیک و تبلیغی برای حکومت‌ها بحث کرده، و از سوی دیگر گرافیتی و هنر خیابانی را به عنوان رسانه‌ای برای اعتراض‌های اجتماعی مورد مطالعه قرار داده است.

## ۸. نتیجه‌گیری

کتاب‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و کاتالوگ‌های نمایشگاه‌ها پیرامون هنر مدرن و معاصر در سرزمین‌های اسلامی در حال افزایش هستند. این منابع اغلب با عنوان‌هایی چون هنر اسلامی مدرن، هنر خاورمیانه یا هنر عرب منتشر می‌شوند. البته این مقوله‌بندی‌ها چالش‌برانگیز است و به راحتی نمی‌توان جغرافیای بزرگ جهان اسلام و تجربه‌های هنری متنوع را مقوله‌بندی و دسته‌بندی کرد.

در مقاله حاضر به بررسی، معرفی و ارزیابی مهم‌ترین منابع مطالعات منطقه‌ای هنر مدرن و معاصر سرزمین‌های اسلامی پرداخته شد. البته هر سال تعداد بیشتر و متنوع‌تری از کتاب‌ها و مقالات درباره هنر سرزمین‌های اسلامی منتشر می‌شود اما در این مقاله تلاش شد کتاب‌شناسی (شامل ۶۰ عنوان کتاب) از این حوزه ارائه شود که می‌تواند برای توسعه مطالعات منطقه‌ای هنر در ایران مهم باشد. در ارزیابی از منابع موجود بر چهار مورد مهم باید تأکید کرد:

۱) کتاب‌ها و مقالات پیرامون هنر مدرن یا معاصر اسلامی چندان زیاد نیست. علت اصلی پرچالش بودن مفهوم «هنر اسلامی مدرن» است. اغلب پژوهشگران ترجیح می‌دهند هنر اسلامی را همچون سبک تاریخی مطالعه کنند و طرح آن در دوران مدرن و معاصر را با ریشه‌های سنت‌گرایانه هنر اسلامی در تعارض می‌دانند. با این حال برخی منابع با صراحت بیشتری هنر اسلامی مدرن و معاصر را مورد پرسش و کنکاش قرار می‌دهند. در مقاله حاضر به برخی از این منابع پرداخته شد.

۲) منابع زیادی به توصیف‌های منفرد از تجربه‌های هنرمندان و رویدادهای هنری در کشورهای مختلف پرداخته‌اند و هنر سرزمین‌های اسلامی را در محدوده مرزهای ملی مطالعه کرده‌اند؛ در مقابل منابع کمی به مطالعات منطقه‌ای هنر اسلامی یا مطالعه تطبیقی هنر مدرن و معاصر در سرزمین‌های اسلامی پرداخته‌اند. در حالی که باید تلاش گردد شباهت‌ها و تمایزهای تجربه‌های هنری در سرزمین‌های اسلامی مورد بررسی قرار گیرند. لذا بر خلاف منابعی که به هنرمندان یا آثار هنری می‌پردازند یا گرایش‌ها و سبک‌های هنری (همچون رئالیستی، امپرسیونیستی، کوبیستی) را دسته‌بندی می‌کنند باید به جریان‌های ساختاری و کلان‌تری پرداخت که امکان مطالعه تطبیقی تجربه‌های هنری میان کشورهای اسلامی را فراهم می‌کنند. در مقاله حاضر به برخی کتاب‌هایی که این رویکرد ساختاری را دنبال کرده‌اند پرداخته شد اگرچه منابع در این حوزه مطالعاتی محدود است.

۳) سهم مطالعات «هنر اسلامی مدرن» در مقایسه با منابعی که به «هنر خاورمیانه» یا «هنر عرب» پرداخته‌اند زیاد نیست. به ویژه آن‌که انتشار کتاب در زمینه هنر خاورمیانه مورد حمایت موزه‌ها، خانه‌های حراج و گالری‌ها و دیگر نهادهای بازار هنر خاورمیانه است. اغلب این منابع تلاش می‌کنند که هنر اسلامی را زیر بخش و مقوله فرعی خود تعریف می‌کنند و معتقدند که هنر اسلامی مدرن یکی از ژانرها یا گونه‌های هنر خاورمیانه یا هنر مدرن عرب است. البته این رویکرد تقلیل‌گرایانه است و نیاز به بازنگری دارد.

۴) مطالعات منطقه‌ای هنر مدرن و معاصر اسلامی اغلب توسط پژوهشگران اروپایی و آمریکایی در حال توسعه است. مطالعات غربی هنر اسلامی این مزیت را برای خود قائل هستند که فراتر از روایت‌های ملی‌گرا به هنر اسلامی می‌پردازند اما این به معنای داوری فرامنطقه‌ای و نگارش تاریخ بدون جهت‌گیری و تفسیر نیست. باید پژوهشگران سرزمین‌های اسلامی نیز در تاریخ‌نگاری هنر اسلامی به ویژه در دوران مدرن و معاصر نقش آفرینی کنند و روایت‌های معتبر ارائه دهند. در حالی که بررسی منابع نشان داد، سهم پژوهشگران سرزمین‌های اسلامی (به ویژه ایرانی) در نگارش تاریخ هنر اسلامی مدرن و معاصر اندک است.

در پایان باید تأکید کرد، متأسفانه در ایران مطالعات منطقه‌ای هنر بسیار محدود است. منابع بسیار اندکی درباره هنر همسایگان یا هنر کشورهای اسلامی همچون ترکیه، مصر، عراق، پاکستان انجام شده است. این حوزه نیاز به تولید منابع بیشتر و انتشار مقالات و کتاب‌های معتبر دارد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان "هنر جهان اسلام: هنر مدرن و معاصر در گفتمان‌های سیاسی جهان اسلام" در دانشگاه هنر است.

## کتاب‌نامه

بلر، شبلا و جاناتان بلوم (۱۳۸۷)، *سراب هنر اسلامی: تاملاتی در مطالعه‌ی حوزه‌ای سیال*، ترجمه فرزانه طاهری، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۴۵، صفحه ۴۸ تا ۹۲.

- Ali, Wijdan (1997). *Modern Islamic Art: Development and Continuity*, University Press of Florida.
- Al Agha, Joseph (2013), *Jihad through 'music': The Taliban and Hizbullah, Performing Islam*, Volume 1, Number 2, pp. 263-289.
- Al Agha, Joseph Elie (2011), "Pious entertainment: Hizbullah's Islamic cultural sphere", in: *Muslim Rap, Halal Soaps and Revolutionary Theater: Artistic Developments in the Muslim World*, edited by Karin van Nieuwkerk. Austin: University of Texas Press, 289-353.
- Al-Ali, Nadej and Deborah Al-Najjar (2019), *We Are Iraqis: Aesthetics and Politics in a Time of War*, Syracuse University Press.
- Amirsadeghi, Hossein (2009), *New Vision: Arab Contemporary Art in the 21<sup>st</sup> Century*, Transglobe Publishing Ltd.
- Ankori, Gannit (2006), *Palestinian Art*, Reaktion Books.
- Bardouil, Sam and Till Fellrath (2010), *Told, Untold, Retold: ۲۳ Stories of Journeys through Time and Place*, Italy: Skira Publisher.
- Bloom, Jonathan M. and Sheila S. Blair (2019) *Islamic Art: Past, Present, Future* (The Biennial Hamad bin Khalifa Symposium on Islamic Art), Yale University Press.
- Boullata, Kamal (2009), *Palestinian Art: 1850-2005*, Saqi publisher.
- Buchakjian, Gregory (2012), *War and Other (Impossible) Possibilities: Thoughts on Arab History and Contemporary Art*, Alarm Editions, Beirut
- Dadi, Iftikhar (2009), *Translation and Contemporary Art*, in: *Tarjama / Translation, Contemporary art from the Middle East*, edit by Iftikhar Dadi, Leeza Ahmady, Reem Fadda, Central Asia, and its diasporas, PUBLISHER ArteEast, New York, United States
- Dadi, Iftikhar (2010), *Modernism and the Art of Muslim South Asia*, University of North Carolina Press.
- Dercon, Chris, Leon Krempel, Avinoam Shalem (2011), *The Future of Tradition-Tradition of the Future*, Prestel Press.
- Downey, Anthony (2015), *Dissonant Archives: Contemporary Visual Culture and Contested Narratives in the Middle East*, Published by I.B. Tauris.
- Eigner, Saeb; Hadid, Zaha (2010), *Art of the Middle East: modern and contemporary art of the Arab world and Iran*, Published by Merrell
- Exell, Karen (2016), *Modernity and the Museum in the Arabian Peninsula*, London: Routledge.
- Exell, Karen and Trinidad Rico (2014), *cultural heritage in the Arabian Peninsula: Debates, Discourses and Practices*, Ashghat Publishing.
- Farjam, Lisa; Saatchi Gallery, (2009), *Unveiled: new art from the Middle East*, Published by Booth-Clibborn
- George, Kenneth M. (2010), *Picturing Islam: Art and Ethics in a Muslim Life world*, Willy – Blackwell.
- Issa, Rose, Juliet Cestar, Venetia Porter (2016), *Signs of Our Times: From Calligraphy to Calligraffiti*, Merrell Publishers.



- Junod, Benoît, Georges Khalil, Stefan Weber, Gerhard Wolf (ed.) (2012), *Islamic Art and the Museu: Approaches to Art and Archaeology of the Muslim World in the Twenty-First Century*, Saqi Books: London.
- Kane, Patrick (۲۰۱۳), *the Politics of Art in Modern Egypt: Aesthetics, Ideology and Nation-Building*, I.B. Tauris.
- Karnouk, Liliane (1988), *Modern Egyptian art the emergence of a national style*, American University in Cairo Press, Egypt.
- Karnouk, Liliane (2005), *Modern Egyptian art: 1910-2003*, American University in Cairo Press, Egypt.
- Keshmirshakan. Hamid (2015), *Contemporary Art from the Middle East: Regional Interaction with Global Art Discourses*, I.B.Tauris, London, New York.
- Kholeif, Omar (2015), *imperfect chronology: Arab Art from the Modern to the Contemporary Works from the Barjeel Art Foundation*, Munich, London and New York: Prestel.
- Lenssen, Aneka, Sarah Rogers, Nada Shabout (Editor) (2018), *Modern Art in the Arab World: Primary Documents*, Duke University Press Books.
- Lopes, Rui Oliveira and others, G. Lamoni and M. Brito Alves (2015.), *Global Trends in Modern and Contemporary Islamic Art*, by Faculdade de Belas-Artes da Universidade de Lisboa.
- Lowry, Glenn (۲۰۰۹), *Oil and Sugar: Contemporary Art and Islamic Culture*, Ontario: ROM.
- Maasri, Zeina (2009), *OFF the WALL: Political Posters of the Lebanese Civil War*, by I.B.Tauris.
- Maasri, Zeina (2012), *The Aesthetics of Belonging Transformations in Hizbullah's Political Posters: 1985–2006*, Middle East Journal of Culture and Communication, No. 5, pp. 149–189
- Makiya, Kanan (2004), *The Monument: Art and Vulgarly in Saddam Hussein's Iraq*, I.B. Tauris
- Mikdadi, Salwa. Ed (1994), *Forces of change: artists of the Arab world*, International Council for Women in the Arts.
- Monem, Nadine and Paul Sloman, Suzanne Cotter, (Editor) (2009), *Contemporary Art in the Middle East: Art world*, published by Black Dog.
- Naef, Silvia (1996) *A la recherche d'une modernité arabe: L'évolution des arts plastiques en Egypte, au Liban et en Irak*, Edition Slatkine, Geneve
- Naef, Silvia (2016). *Visual Modernity in the Arab World, Turkey and Iran: Reintroducing the "Missing Modern"*, Asiatische Studien - Études Asiatiques, vol. 70, n 4, p. 1005-1018.
- Naji, Ahmed (2019) *Under the Palm Trees: Modern Iraqi Art with Mohamed Makiya and Jewad Selim*, Rizzoli
- Nasser Rabbat (2018) "The Nakba and Arab Culture", in Aneka Lenssen, Sarah Rogers, Nada Shabout (Editor), *Modern Art in the Arab World: Primary Documents*, Duke University Press Books.
- Nieuwkerk, Karin van.Edt (2012) *Muslim Rap, Halal Soaps, and Revolutionary Theater: Artistic Developments in the Muslim World*, University of Texas Press.
- Pocock, Charles, Samar Faruqi (2011) *Art in Iraq Today*, published by Skira, Italy.

- Porter, Venetia; Caussé, Isabelle (2008). *Word into art: artists of the modern Middle East*, Dubai, British Museum, Dubai Holding.
- Schwartz, Lowell H, Dalia Dassa Kaye, Jeffrey Martini (2013) *Artists and the Arab Uprisings*, RAND Corporation.
- Seggerman, Alex Dika (2019), *Modernism on the Nile: Art in Egypt between the Islamic and the Contemporary*, University of North Carolina Press.
- Shabout, Nada M. (2007). *Modern Arab Art: Formation of Arab Aesthetics*, University Press of Florida.
- Shabout, Nada, Wassan Al-khudhairi, Deena Chalabi (2010) *Sajjil: A Century of Modern Art*, Italy: Skira Publisher.
- Sonja Mejcher-Atassi and John Pedro Schwartz, eds. (2012) *Archives, Museums and Collecting Practices in the Modern Arab World*. Farnham: Ashgate.
- Turk, Sabrina de (2019) *Street Art in the Middle East*, I.B. Tauris.
- Winegar, Jessica (2006) *Creative Reckonings: The Politics of Art and Culture in Contemporary Egypt*, Stanford University Press.
- Zuhur, Sherifa (1998). *Images of enchantment: visual and performing arts of the Middle East*, American Univ in Cairo Press.
- Zuhur, Sherifa (2001). *Colors of Enchantment: Theater, Dance, Music and the Visual Arts of the Middle East*, American University in Cairo Press.